



امروزه در هر پرونده‌ی جنائی، اثری از بدآموزیهای فیلمهای مبتذل به چشم می‌خورد و در هر خیانتی پای سینما در میان است، "گرچه عوامل دیگر نیز در این جهت سهیمند" و این حقیقت را اخیراً غالب افراد حس کرده‌اند و برخی از مطبوعات به عواقب وخیم آن اشاره می‌کنند و انتقادهائی می‌شود.

معمولاً فیلمها، به فرزندان ما جنایتهای گوناگون یاد می‌دهند، اخیراً بسیاری از بزهداران و آلودگان، در بازپرسیها اعتراف کرده‌اند که بادهدن فلان فیلم به کشتن، دزدیدن و... دست زده‌اند که هرروز در روزنامه‌ها نمونه‌های این اخبار تاسفبار را می‌بینید و می‌خوانید.

دوجوان تحت تاثیر فیلم سینمائی "کیف زن" شدند،^۱ کودکی به تقلید از هنرپیشه‌های سینما با تفنگ شکاری پدرش، خواهر خردسال خود را کشت.

نوجوانی پس از تماشای فیلم با مشت و لگد به جان دوستش افتاد و او را از پای درآورد جوانانی که جلوی اتومبیلی را گرفته و پس از زندانی کردن مرد به همسر او خیانت کرده بودند اعتراف کردند که تحت تاثیر فیلمها قرار گرفته‌اند.^۲

آنقدر نمونه‌ها در این مورد زیاد است که نقل همه‌ی آنها در یک مقاله ممکن نیست و این اخبار هشدار بسی حزن‌آور و تاسفباری است به همه انسانها . شگفت اینجاست که همگی فریاد می‌کشند و همه احساس خطر نموده‌اند و جراید نیز به خطرهای بنیان کن این نوع فیلمها اشاره می‌کنند ولی آنچه البته به جایی نمی‌رسد ، فریاد است و معلوم نیست ، چگونه یک مشت افراد سودجو ، و شهوتران با حیثیت و هستی و فرهنگ یک ملت بازی می‌کنند و به کار خود ادامه می‌دهند . ؟

این مسئله بسیار بفرنج و مشکل شده است که چگونه همه می‌نالند و می‌گویند ولی خبر و اثر کمتر به چشم می‌خورد؟ گویا مصلحت تنها در گفتن است یکی از مقامات آموزش و پرورش میگوید فیلمهای تلویزیونی اثری مخرب برای کودکان و نوجوانان دارند . . . اغلب فیلمها ، به کشت و کشتار اختصاص دارد^۳ یک جامعه شناس می‌گوید " تماشای فیلمهای هیجان انگیز جنائی ، بر جسم و روح کودکان اثر می‌گذارد .

یک پدر می‌گوید بچه‌های من با هفت تیر های فلایی یکدیگر را تهدید به کشتن می‌کنند .^۴ که این جریان را هر روز در کوچه‌ها ، ده‌ها بار مشاهده می‌کنیم . باز روزنامه اطلاعات با درج عکسی از کودکان معصوم که در حال تماشای فیلم مات و مبهوت ، انگشت به دندان گزیده با دلپره و اضطراب می‌نگرند ، می‌نویسد " تماشای فیلمهای وحشتناک روی بچه‌ها اثر منفی به جای می‌گذارد ، کودکانی که فیلمهای هیجان انگیز و خوفناک را تماشا می‌کنند ، تا سالها بعد از عوارض روحی و جسمی ناگواری برخوردار خواهند بود ، به توصیه‌ی روانپزشکان ، پدران و مادران باید فرزندان خود را از تماشای فیلمهای ترسناک و بدآموز بازدارند .^۵ شخصی از آشنایان می‌گفت دختر هفت ساله‌ام اصرار داشت که به سینما برویم ولی در حال تماشای فیلم ، متوجه شدم که یک دست را به روی دیدگانش نهاده و با

دست دیگر به من فشار می‌آورد که پدر برخیز تا برویم و بالاخره کاری کرد که برخاسته از سینما خارج شدیم ، از آن روز وجدانم سرزنش می‌کند ، که چرا دختری معصوم و بی‌گناه را به جایی بردم که از آنجا آلودگی و فساد پخش می‌شود؟

به راستی چرا عده‌ای مغرض چنین می‌کنند؟ و چرا می‌توانند آزادانه با روح مردم بازی کنند و همه را به بازیچه بگیرند و چرا به گفته‌ی " رومن رولان " ' فیلمسازان ما قسم یاد کرده‌اند که ما را به لجنزاری از وسوسه‌های شیطانی و تمایلات انحرافی فرو برند و چون روباهی حيله‌گر ذخایر ملی کشور ، یعنی جوانان و دختر و پسر را نیست و نابود سازند

تا آنجا که یکی از سینماسازان اخیرا گفته است که تهیه‌کنندگان فیلمها بی‌فرهنگ و سودجو هستند . .

یکی از سینما داران به نام " ف " نوشته است که امکانات تهیه‌ی فیلم های سازنده و مفید برای ما نیست و مشکلات زیادی در این مسیر پیش پای ما وجود دارد . راستی یک انسان سالم و صالح ، فرضا اگر کاری مفیدی نتوانست انجام دهد ، به‌کار غیر انسانی و زیانبار دست می‌زند؟ آیا برای به دست آوردن پول ، با فضایل و سجایای انسانها بازی می‌کند و حقیقت و شرافت ملتی را بر باد می‌دهد ، بگفته‌معروف «مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان " حال که به فرزندان کشور آگاهی نمی‌دهید ، به کمالات انسانی دعوت نمی‌کنید ، با تمدن واقعی و علم و دانش آشنایشان نمی‌سازید درس فضیلت و انسانیت به آنان نمی‌دهید ، در گرداب فسادشان نیفتانید ، به اعتیاد و انحراف دعوت نکنید ، عواطف جوانان و فرزندان جامعه را منحرف نسازید ، در جهالت و بیسوادی و ناآگاهی غرقشان ننمائید و تخدیرشان نکنید که باز به گفته‌ی " رومن رولان " اگر هنر با حقیقت نمی‌تواند جمع شود بگذار بمیرد نبودنش بهتر . .

نقش الگو سازی فیلمها :

یکی از اسفبارترین آثار اینگونه فیلمها ، نقش الگو سازی آنها ، برای نوجوانان دختران و جوانان است .

در نقشهای به اصطلاح هنری، غیر از منحط بودن خود فیلم، غالباً افرادی کثیف و معلوم الحال اجراء نقش می‌کنند که به‌گفته‌ی یکی از نویسندگان زبردست معاصر یدک‌کش عنوان بی‌فرهنگی مطلق و اشاعه‌دهندگان ابتدال و بی‌فرهنگی و آفیون‌های جامعه هستند.^۶

غالباً معتاد و مبتلا به انواع مفاسد می‌باشند که یکی از به اصطلاح هنرمندان، درنامه‌ای که به یکی از مجلات می‌فرستد اعتراف جالبی می‌کند و می‌نویسد

... در ضمن به تمام خانواده‌ها و دختران معصوم و بی‌گناه بگو، اگر روزی تصمیم گرفتید به محیط هنری قدم بگذارید یا باید فاسد و هرجائی باشید یا هیچوقت آرزوی هنرمند بودن در سر نپروانید و الا در محیط هنر پاک بودن مساوی با فقر و بدبختی یا درکوجه‌ها مردن است.^۷

"مارلون براندو" هنرپیشه بسیار معروف سینماها می‌گوید اگر رفتار مادرم با من بهتر بود و تا این حد مرا در فشار نمی‌گذاشت، شاید هرگز هنر پیشه نمی‌شدم و مجبور نبودم با نفرت و انزجار این حرفه کثیف را دنبال کنم

مادر من تمام وقتش را صرف این کار می‌کرد که تا مرا به این دام انداخت هرچه که این ماجرا برای اوهم، پایان بدی داشت و در روزهای آخر زندگی در اثر مصرف زیاد الکل درگذشت خیال می‌کنم این پایان ناخوشایند برای من هم وجود داشته باشد " این هنرپیشه در وضع روحی و ناراحتی عجیبی بسر می‌برد^۸

ملاحظه می‌کنید که چه افرادی تهیه‌کننده و چه افرادی گرداننده و چه افرادی بازیگر هستند؟

با اثر قطعی که فیلم بر روحیه افراد مخصوصاً کودکان دارد، نقش‌پذیری آنان را از این الگوهای فساد و اشاعه‌دهندگان ابتدال و انحطاط، فراموش ننمائید. چگونه فرزندانمان که امیدهای آینده‌ی این اجتماع و ملت هستند سرمشق خواهند گرفت؟

آبادقت نمی‌کنید که حتی در پوشیدن کفش و کلاه و لباس و موی‌وروی و ابروهم تقلید از اینان می‌کنند؟ آیا ناله‌ی بسیاری از این قربانیان فساد را در کوی و برزن نمی‌شنوید؟

آیا دختران بیچاره‌ای را نمی‌بینید که از این الگو سازی‌ها چگونه به بدبختی و سقوط و فساد می‌افتند؟ اینان قربانیان آنگونه دامهای غیر انسانی هستند . سخن بسیار است

بنابراین ، برای نجات فرزندانمان و برای خدمت به همه افراد ، لازم است در اصلاح و کنترل این عامل بزرگ بکوشیم ، اجازه ندهیم رکود و بی فرهنگی مارا با چهره‌های فریبنده اعلام کنند و دخایر مارا چپاول نمایند .

اکنون باز هم تنها به جوانان اعتراض کردن یا پند و اندرز دادن کافی است؟ بهتر نیست که به تناقض گوئی نپردازیم و به راستی راه و چاه را بخوبی نشان دهیم ؟ یکی از نویسندگان پرسوز و آگاه معاصر به نقل از " آرنولد توین بی " در یکی از جراید کثیرالانتشار کشور می‌نویسد پسران و دخترانمان را وادار می‌کنیم در دوازده سیزده سالگی با سکس آشنا شوند ، آنگاه از ایشان می‌خواهیم دوران تحصیل عالیشان را تا نزدیکی سی سالگی بکشانند چگونه میتوان از آنها خواست در طول این شانزده هفده سال کابوس جنسی ، حواسشان را بر تحصیل متمرکز سازند .

آنگاه می‌افزاید به خود می‌بالیم که برای جوانان آموزش دبیرستانی و دانشگاهی فراهم کنیم ، اما آب در هاون کوفته‌ایم . . . دبیرستانها ، کالجها ، و دانشگاهها یمان چیزی بیش از باشگاههای همسریابی از کار در نخواهد آمد .



-
- ۱- اطلاعات ۱۵۳۳۸
 - ۲- مطبوعات
 - ۳- کیهان ۹۸۴۴
 - ۴- اطلاعات ۱۵۱۱۲
 - ۵- شماره قبل
 - ۶- مطبوعات
 - ۷- اطلاعات هفتگی
 - ۸- نقل از کیهان ۱۰۲۷۵